

۱۴۵۱۱۱

## به نام خدا

تلفیحی از کتاب  
انسان در جستجوی معنی

دکتر وینتور فرانکل  
تلفیح: محمد شادابی

سرشناسه: فرانکل ویکتور، ۱۹۰۵-۱۹۹۷ م. Frankle, Viktor E. (Viktor Emil).  
 عنوان و نام پدیدآور: تلخیصی از کتاب انسان در جستجوی معنی / ویکتور فرانکل / تلخیص ح. ثنایی.  
 مشخصات نشر: تهران: حک، ۱۳۹۴. مشخصات ظاهری: ۲۴ ص. مصور.  
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۸۲-۵۹-۴ وضعیت فهرست نویسی: فپیا  
 یادداشت: عنوان اصلی: 1984, Man's search for meaning.  
 موضوع: فرانکل، ویکتور امیل، ۱۹۰۵-۱۹۹۷ م.  
 موضوع: قتل عام یهودیان، ۱۹۳۹-۱۹۴۵ م. -- خاطرات  
 موضوع: قتل عام یهودیان، ۱۹۳۹-۱۹۴۵ م. -- جنبه‌های روان‌شناختی  
 موضوع: روان‌شناسان -- آتریش -- سرگذشت‌نامه.  
 شناسه افزوده: ثنایی، حشمت، ۱۳۲۹- رده‌بندی کنگره: ۱۳۱۳۹۴/۹۴۳۰۱/۰۸۱۰/DA  
 رده‌بندی دیوئی: ۹۴۰/۵۳۱۸ شماره کتابشناسی ملی: ۲۹۳۵۴۴۴



انتشارات  
چک

تلخیصی از کتاب  
انسان در جستجوی معنی

دکتر ویکتور فرانکل  
تلخیص ح. ثنایی

نوبت چاپ  
اول / تابستان ۱۳۹۴

تیراژ چاپ  
یکهزار جلد

طراحی و صفحه‌آرایی  
شهرزاد فراهانی

ناشر  
انتشارات چک  
(وابسته به گروه طرفه)

# ویکتور فرانکل

دکتر ویکتور فرانکل در ۱۹۰۵ در وین به دنیا آمد. او در ۱۹۴۹ از دو دانشگاه وین موفق به گرفتن درجه دکترای اعصاب و روان شد. در ضمن او از ۱۲۰ دانشگاه در سراسر جهان دکترای افتخاری گرفت. فرانکل به علت یهودی بودن در سال‌های ۱۹۴۲ و ۱۹۴۵ به وسیله نازی‌ها ابتدا در آشویتس و سپس در داخائو زندانی شد.

تجارب او در این اردوگاه موجب شد مکتب جدیدی را در روانشناسی بنیان‌گذاری کند که معنا درمانی یا لوگوتراپی نامیده می‌شود. او پس از پایان جنگ دوم جهانی ریاست بخش اعصاب بیمارستانی در وین را به عهده گرفت و به مقام استادی دانشگاه در رشته عصب‌شناسی و روان‌پزشکی نایل آمد.

در سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۷۳ استاد دانشگاه بین‌المللی سن‌دیه‌گو بود و نظریه معنا درمانی‌اش در میان روانشناسان و روان‌پزشکان پیروان زیادی دارد. فرانکل در سپتامبر ۱۹۹۷ در سن ۹۲ سالگی در وین درگذشت.

مکتب لوگوتراپی یا معنا درمانی که ویکتور فرانکل بنا نهاد امروز یکی از مکاتب مطرح روانشناسی در جهان است.

او به راستی چگونه زنده ماند؟ پیام چنین روانکاوی که شخصاً با چنان شرایط خوفناکی رویاروی بوده است، شنیدن دارد. اگر کسی بتواند به شرایط انسانی ما عاقلانه و با دلسوزی بنگرد؛ این شخص بی‌تردید باید دکتر فرانکل باشد. واژه‌هایی که از قلب دکتر فرانکل برمی‌خیزد، بردل می‌نشیند. پیام‌های او والاست و ارزنده.

داستان این کتاب گرچه کوتاه است، ولی بسیار هنرمندانه و گیراست. دکتر فرانکل در جایی از داستان، فلسفه "لوگو تراپی" خود را به خواننده می‌شناساند، او آن را چنان ملایم به داستان پیوند می‌دهد که خواننده تنها پس از به پایان رساندن کتاب به ژرفای نوشته او پی می‌برد و می‌بیند که دیگر این بخش از کتاب دنباله داستان اردوگاه‌های کار اجباری نیست.

خواننده از همین زندگی‌نامه دردناک بسیاری چیزها می‌آموزد. خواننده فرامی‌گیرد، که انسان وقتی به ناگهان احساس می‌کند که چیزی برای دست‌دادن به جز بدن مسخره برهنه‌اش ندارد، چه می‌کند.

"اگر زندگی کردن رنج بردن است؛ برای زنده ماندن باید ناگزیر معنایی در رنج بردن یافت.

اگر اصلاً زندگی خود هدفی داشته باشد، رنج و میرندگی نیز معنا خواهد یافت. اما هیچ‌کس نمی‌تواند این معنا را برای دیگری بیابد. هر کس باید معنای زندگی خود را، خود جستجو کند و مسئولیت آن را نیز پذیرا باشد. اگر موفق شود، با وجود همه تحقیرها به زندگی ادامه می‌دهد.

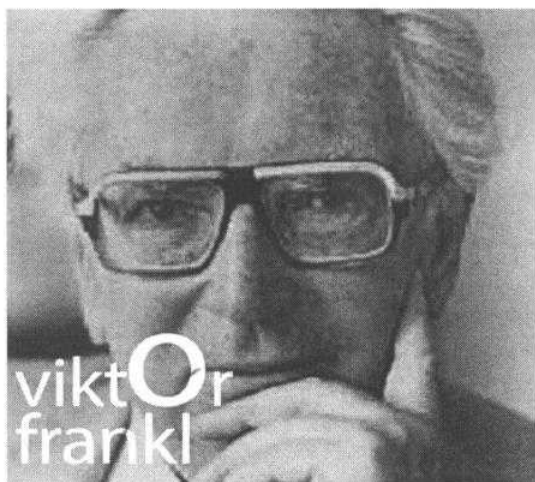
فرانکل که به نیچه علاقمند است به این گفته‌اش نیز ایمان دارد. کسی که چرایی زندگی را یافته باشد، چگونگی‌های خواهد ساخت زندانیان مردمی معمولی بودند. اما دست‌کم شماری از آنان ثابت کردند که "ارزش رنج‌هایشان را دارند و با اینکار شایستگی بشر را در برخواستن علیه سرنویشت خود به ثبوت رسانند."

دکتر فرانکل روانپزشک، نویسنده، گاهی از بیماران خود که از اضطراب‌ها و دردهای کوچک و بزرگ رنج می‌برند و شکوه می‌کنند می‌پرسد، "چرا خودکشی نمی‌کنید؟" او اغلب می‌تواند از پاسخ بیماران خط اصلی روان درمانی خویش را بیابد. در زندگی هر کسی، چیزی وجود دارد.

در زندگی یک نفر عشق وجود دارد که او را به فرزندان پیوند می‌دهد؛ و در زندگی دیگری، استعدادی که بتواند آن را بکار گیرد؛ در زندگی سومی، شاید تنها خاطرات کشداری که ارزش حفظ کردن دارد.

در این کتاب، دکتر فرانکل تجربه‌ای که منجر به کشف "لوگو تراپی" شد توضیح می‌دهد. وی مدت زیادی در اردوگاه کار اجباری اسیر بود، که تنها وجود برهنه‌اش برای او باقی ماند و بس.

پدر، مادر، برادر و همسرش یا در اردوگاه‌ها جان سپردند و یا به کوره‌های آدم‌سوزی سپرده شدند. او چگونه زندگی را قابل زیستن میدانست؟ در حالیکه همه اموالش را از دست داده بود؛ همه ارزش‌هایش نادیده گرفته شده بود؛ از گرسنگی و سرما و بیرحمی رنج می‌برد و هر لحظه در انتظار مرگ بود.



البته نویسنده این کتاب به عنوان یک "روان درمانگر" می‌خواهد پی‌ببرد چگونه می‌توان به انسان کمک کرد تا به این شایستگی برجسته بشری دست یابد. چگونه می‌توان در بیمار این حس را برانگیخت که به خاطر چیزی مسئول زندگی است، هرچند که در بدترین شرایط قرار گرفته باشد؟

خواندن این کتاب را که واژه‌هایش چون گوهر می‌درخشد و برزق‌ترین مشکلات بشر می‌تابد، از همگان خواستارم. زیرا کتابی است دارای ارزش ادبی و فلسفی و پیش‌گفتاری است پر جذبه برارزنده‌ترین جنبش روانشناسی روزگار ما.